

درسی از قرآن درباره :

از دانشمندان محترم

جناب آقای غفوری

ههبستگی داخلی

مر اقبیت در ر و ابط خار جی

« الذین کفروا بعضهم اولیاء بعض - الا »

« تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر »

سوره انفال

از شواهدیکه از قرآن و گفتار پیغمبر ﷺ درست است استفاده میشود که آنحضرت وضع امت خود یعنی مردمی را که با اسلام گرویده بودند ، بعد از رحلت خود پیش بینی می کرد ، و گویا برای ایشان روشن بود که در اثر طمعها و آرزوهای دور و دراز و پیروی از هوی و هوس ؛ در بین امت انحرافات پیش خواهد آمد ، و مسلمین که قاعدتاً با داشتن برنامه بسیار منظم و متینی چون « قرآن کریم » می بایست از همه ملل برتر باشند « وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین » ، بعلت

مسامحه در اجرای دقیق دستورات آن ، گرفتار اختلاف داخلی از يك طرف ، و در معرض نقشه‌های خائنانه دشمنان از طرف دیگر خواهند شد .

این مطلب بخوبی درقرآن منعکس است ، و اینهمه تأکید که در آیات متعدده راجع به مراقبت در روابط بین مسلمین و یهود و نصاری شده است ، پیش‌بینی روشنی است که از آن میتوان حدس زد که وضع مسلمین طوری خواهد شد که هر يك از آنها یا بعضی از آنان بجای دوستی باملت خود بنحوی دست بسوی دیگران دراز میکنند ، یادست‌حاجت و استمداد ، یادست دوستی و پیمانهای گوناگون و از همه رسواتر آنها را بعنوان سرپرست و مشاور و محرم اسرار قرار دادن !

چنانکه درقرآن آمده است :

یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدى القوم الظالمین (۱) .

و سپس به بعضی مصلحت‌اندیشی‌ها که از بی ایمانی یا ضعف ایمان سرچشمه میگیرد ، اشاره میکند که : بعضی از مسلمین می گویند که اگر با آنها چنین روابطی برقرار نکنیم می ترسیم گرفتاریهایی پیدا کنیم

۱- ای مردم با ایمان ! با یهود و نصاری پیمان دوستی نبندید ، گروهی از آنان یاران گروهی دیگر هستند ، آنکس که از بین شما بدوستی (یا سرپرستی) آنان تن در دهد خود نیز از آنان است ، بطور مسلم خداوند ستمکاران را هدایت نمیکند .

و مورد حمله و تهاجم قرار گیریم و لذا چنان با سرعت رو به آن‌های رو ند
که گویا برای خود ابدأ شخصیتی قائل نیستند :

**فتري الذين في قلوبهم مرض يسمعون فيهم يقولون
نخشي ان تصيبنادائرة (۱)**

سپس قرآن بمسلمین گوشزد می فرماید : فریب کسانی را
نخورید که شما و عقائدتان را بباد مسخره گرفته‌اند ولی در ظاهر
باشما مطالب‌دل خوش کننده‌ای میگویند و دم‌از دوستی و پیمان و اتحاد
و مودت باشما میزنند ، گمان نکنید که آنان راست میگویند ، آنان
منظور خاصی دارند ، به زبان شمارا راضی نگه میدارند تا مقاصد خودشان
عمای شود ولی در مواقع حساس شمارا تنها میگذارند ، بلکه در غیاب
شما برای ایجاد اختلاف و هرج و مرج در میان شما نقشه‌ها طرح
می کنند .

يرضونكم بافواهمهم و تأبى قلوبهم (۲) . سپس ملت مسلمان
را بیم می دهد که بیگانگان را محرم راز قرار ندهید : **لاتتخذوا بطانة
من دونكم** آنان از هیچ مفسده‌ای درباره شما کوتاهی نخواهند کرد :
لا يألونكم خبالا و از اینکه شما در رنج باشید آنان خوشحال اند :
ودوا ما عنتم - ان تصيبكم سيئة يفرحوا بها بلکه نقشه‌هایی برای ایجاد
اختلاف در میان شما دارند ، اگر شما در گفتار آنان دقت کنید آثار

۱- پس می بینی کسا نیرا که غرض و مرض دارند بسرعت بسوی
آنان میروند ، میگویند میترسیم که گرفتاری و مصیبتی بر ایمان بیش آید .
۲- شمارا با کلام خود راضی میکنند ولی دل‌های آنان اباد ارد

وحدت جهانی کتابخانه فیضیه قم

دشمنی را از خلال کلمات آنان می‌توانید ببابید ، ولی بدانید که آنچه در نیت و نقشه‌های باطنی آنان است ، خیلی دامن‌دار تر و بزرگتر است ، از آنچه تا کنون شما میدانید . **قد بدت البغضاء فی افواههم وما تخفی صدورهم اکبر** و بالاخره خاطر نشان می‌کند که خداوند شما را با خبر می‌کند تا اگر عقل دارید تکلیف خود را بفهمید : **قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون** یعنی اگر هنوز فریب حرفهای بی اساس سیاست‌های بیگانه‌ها را می‌خورید و خیال می‌کنید پیوند بایهود و نصاری برای شما مفید تر از استقلال یا پیوند با مسلمین دیگر است . این کار نشانه آن است که شما عقل درستی ندارید و یا از آن استفاده نکرده‌اید . و چون بعضی پیمانها که با بیگانگان منعقد می‌شود ، از آنجا که صلاح عمومی را در بر ندارد ، از طرف ملت اصیل مسلمان تصویب نمی‌شود و فقط يك عده که خود را سرپرست مردم حساب می‌کنند ؛ روی صلاح شخصی و حفظ ریاست خود و یا بالاخره در اثر فشار بیگانگان اینگونه اعمال را می‌کنند و در نتیجه تمام یا قسمتی از نیروهای مردم و بودجه‌های اسلامی بمنظور اجرای بر نامه‌هایی که نتیجه‌اش صرفاً بِنفع بیگانگان است صرف می‌شود .

قرآن درباره معرفت اینگونه خائنین میفرماید : **ومن یتولهم منکم فانه منهم** آنانکه دیگران را سرپرست خود قرار داده‌اند ، آنها خود بیگانه‌اند و از شما نیستند .

وحدت جهانی

اینجا یاد آوری يك نکته لازم بنظر میرسد که مبدا کسی گمان

کند در اسلام بایک نژاد وتیره ودودمان خاصی مخالفت شده است و یا یکی از تعلیمات اسلامی بدین ساختن مسلمین به یکی از طوائف بشری بعنوان نژاد یا ملیت خاص باشد ؛ ابدأ اینطور نیست . اسلام تمام مردم رامساوی می شمارد. ازهر نژاد که باشند و ملاک برتری و امتیاز را فقط و فقط در تقوی و پاکدامنی میداند و تنها علم و ایمان را اساس ارزش انسانی می شمارد

ان اکرمکم عندالله اتقاکم یرفعالله الذین آمنوا والذین اوتوا العلم درجات بلکه یا این نظر که نژادی خود را برتر از دیگران بشمارد و یک نوع خودبینی و افراط در ملیت داشته باشد مخالفت می کند و باصطلاح غرور ناسیونالیستی را محکوم می شمارد و لذا نقشه های اسلامی برای ایجاد یک برادری همگانی جهانی در سایه «توحید» که یگانه عامل وحدت نوع بشر است، می باشد .

اسلام میگوید : نباید دنیا را به قطعات جدا گانه تقسیم کرد و حکومت های تاریخی یا جغرافیائی تشکیل داد . مثلاً نباید گفت : مردمی که بین فلان دریا و فلان اقیانوس از جهت شمال و جنوب و ما بین فلان کویر و فلان سلسله جبال از طرف مشرق و مغرب قرار دارند تابع یک حکومت باشند . حال آن حکومت مطابق خواسته عموم آنها نیست نباشد . آنها محکوم به آن وضع اند ! .

یا مثلاً مردمی که از نظر نژاد وحدتی دارند و سابقه تاریخی ممتدی دارند یک ملت محسوب می شوند ، ولو در هر جای دنیا هم زندگی کنند بلکه وحدت، وحدت عقیده است و حکومت، حکومت فکر .

لذا کسیکه نقشه وحدت جهان را طرح میکند باید عقیده ای را

پیشنهاد کند که بتواند در سایه آن مردم را به برادری دعوت کند؛ و آن تنها و تنها یگانه پرستی و خدای اخالق و بزرگ دانستن و در مقابل هیچ قدرتی جز قدرت حق خاضع نشدن می باشد.

اسلام همه را آزادمی داند و به هیچ کس اجازه نمی دهد مردم را بازور یا نیرنگ اغفال کند و به نا حق ریاست نماید و عدالت را اولین شرط حکومت معرفی می کند: **ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل (۱)**

این یک بر نامه بیدار باش برای مسلمین.

حال این جریان را از نظر بیگانگان که چشم طمع به مسلمین و تشکیلات و سر زمین آنها دوخته اند حساب کنیم: آنها از طرفی حساب کرده و میکنند که یک جمعیت کثیر در حدود یک چهارم تمام سکنه زمین دیانت اسلام را پذیرفته اند که بسیاری از آنها از ثروت های طبیعی سرشار بهره مندند. از طرفی دیگر اسلام مقرراتی دارد که می خواهد ما بین آنها پیوندی ناگسستنی بوجود آورد و ضمناً وحدت این ملت ها با نقشه های خائنه اقتصادی آنها مناسب نیست آید این میان چه نقشه ای طرح باید کرد؟

مثالی از نفت

مثلاً در مورد منابع سوخت نفتی که امروزه برای گردش صنایع جدید و بکار انداختن کارخانه ها و وسائل حمل و نقل هوایی و دریائی و

۱ - خداوند بشما فرمان میدهد که امانت ها را بصاحبانش رد کنید و هنگامیکه بین مردم حکومت می کنید با عدالت حکم کنید.

زمینی محرک اصلی است و اثر فوق العاده‌ای در جهات مختلف علمی و صنعتی و اقتصادی و سیاسی دارد .

کویت - عربستان - ایران - عراق - اندونزی به ترتیب در حال حاضر ردیف چهارم - پنجم - ششم - هفتم و نهم را حائزند. یعنی در هر ۲۴ ساعت از چاه‌های نفت کویت بیش از یک میلیون و دویست هزار بشکه یعنی حدود ۲۰۰ میلیون لیتر نفت استخراج می‌شود .

در عربستان در همین حدود ، قدری کمتر یعنی روزی در حدود یک میلیون و صد و شصت هزار بشکه نفت خام بیرون می‌آید. و در ایران طبق آمار سال ۱۳۳۹ تنها از معادن نفت جنوب روزی یک میلیون و پانجاه هزار بشکه نفت خام استخراج می‌شود ، ولی طبق گزارش‌های اخیر به یک میلیون و پانصد هزار بشکه رسیده است. تنها از یک چاه آغاچاری روزانه هشتاد هزار بشکه نفت خام بیرون می‌آید و علاوه بر آن روزانه در حدود صد هزار بشکه نیز از چاه‌های نفت قم بیرون می‌آید.

در عراق و اندونزی هم همین‌طور با اندکی تفاوت.

خوب حالا یک مملکت صنعتی که در گوشه فلان قاره قرار گرفته است ، نیروی دریائی مجهزی دارد ، کارخانه های عظیمی در آن برپاست ، و پانجاه در صد سوخت نفتی خود را بساید مثلا از کویت تهیه کند ، آیا می تواند در امور آنجا بی طرف باشد که اگر قدرت حکومت بدست کسانی افتاد که با صدور نفت با آنجا موافقت نکردند، بگویند خوب مانعی ندارد. مردم حقوقی دارند و آزادند . آیا او نقشه های خائنانه وسیعی طرح نمی‌کند تا بتواند وضع موجود

را ادامه دهد؟ و یا مثلاً ۱۲ درصد دیگر احتیاجات نفتی خود را از عراق می‌برد ، آیا نظارت دقیق بوضع آنجا ندارد؟! و همینطور در مورد بقیه احتیاج خود که از ایران و سایر جاها تأمین میکند . .

خوب ، در نظر رهبران آن کشور صنعتی که خود منابع نفتی ندارد ولی اینهمه مصرف نفت و بنزین دارد چه باید کرد؟ آیا اگر يك اتحادیه ای میان کشورهای نفت خیز بوجود آید و اینها بنشینند و نقشه صحیح تری برای پیشرفت کار خود پیدا کنند و نتیجه آن نقشه این باشد که جلوی لوله های نفت که به فلان کشور میرفت بسته شود آیا او با احترام آزادی نوع بشر آرام می‌نشیند و میرود فکر دیگری برای خود می‌کند ، و بخصوص وقتی بداند که تعلیمات خاصی وجود دارد که مردم این نواحی مختلف را که دست سیاست های بیگانه آنها را از هم جدا کرده است ، و سر زمینهای بزرگ آنان را به قطعات کوچک تجزیه نموده اند ، اکنون این تعلیمات دینی میخواهد بایک رشته محکمی آنها را به یکدیگر پیوند دهد ، آیا او می‌گذارد این تعلیمات با کمال متانت اجراء شود؟ هر گز نه . تلاش میکند . اختلافات مذهبی بنام شیعه و سنی راه اندازد . برادر کشی ایجاد کند ، بین ملت و رهبران آنها فاصله های عمیق بوجود آورد . اداری و بازاری ، روشنفکر و مرتجع و نظائر آن درست کند ، و بالاخره همه را بجان یکدیگر اندازد تا خود در این میان آسوده خاطر بماند ،

حالا اگر چند دولت قوی بیگانه در این کار باهم توافق کنند ،

در آن صورت چه خواهد شد ، آن وقت همان کاری خواهد شد که

نمونه‌اش را در بسیاری از ممالک اسلامی و بخصوص بعضی از آنها می‌بینیم .

اکنون مناسب است به‌یاد سفارش پیغمبر و محترم اسلام بیاییم که در اواخر عمر خود در حضور بزرگان قوم اعلان عمومی کرد: که **اذا التبت علیکم الفتن کاللیل المظلم فلیکم بالقرآن**- زمانی که فتنه‌ها مانند شب تاریک بشماروی آورد بر شما باد به قرآن . خوب ، دیگر فتنه از این بیشتر که میان ممالک اسلامی اینهمه تفرقه افتاده است و دست‌اجانب اینهمه باز شده و دستورات اسلامی آنطور که باید اجرا نمیشود ، اجتماعات و حدود و مقررات اسلامی که بمنظور جلوگیری از بروز جنایات وضع شده است تعطیل گردید ، و زر و زور بدست غیر اهلس افتاده است ؛ سطح معلومات این قدر پائین رفته است و سطح تجمل‌پرستی و بدبینی میان طبقات اینهمه اوج گرفته است .

تنه‌راه چاره

این‌جا همان آیه ایرا که در ابتدای مقاله یاد آوری شد تکرار می‌کنیم و مردم مسلمان و بخصوص دانشمندان و متفکرین و رهبران قوم را بتدبیر در معنای آن بادر نظر گرفتن وضع حاضر مسلمین در تمام نواحی جهان ، دعوت می‌نمائیم :

الذین کفروا بعضهم اولیاء بعض - الا تعملوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر .

در ابتدای این آیه یاد آوری می‌شود که آنها که کافرند و تبیپ مخالف مسلمین را تشکیل می‌دهند در یک هدف با یکدیگر متحدند و

در راه آن تشریک مساعی می کنند و آن ایجاد اختلاف در بین مسلمین است ، تا به هر وسیله ای که ممکن است در آنها ایجاد ضعف نمایند و نگذارند متحد باشند و کارهای موثر انجام دهند ، آنان با یکدیگر پیمانهای دوستی می بندند و در راه هدف مشترکشان هم آهنگی می کنند .

در تفسیر مجمع البیان کلمه « ولی » را در این آیه که جمع آن « اولیاء » است اینطور معنی می کند : **الولی هو المختص بالعقد علی النصره فی وقت الحاجة یعنی ولی کسی است که با او پیمان کمک و یاری بسته می شود که در مواقع -حاجت (یعنی آنگاه که مورد هجوم قرار بگیرد) باو مساعدت شود .** عبارت ساده تر همین پیمانهای تدافعی که دولتهای مختلف با یکدیگر می بندند .

بنا بر این در این آیه بیان می شود که کافران در مواقع مقتضی با هم می سازند و نقشه های مشترکی در مورد شما دارند . **ان لاتفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیرا** اگر آن دستور را که بشما مسلمین داده شده است بجا نیاورید ، در روی زمین فتنه بر پا خواهد شد و فساد بزرگی روی خواهد داد .

در تفسیر تبیان و مجمع البیان اینطور توضیح میدهد : **ان لا تفعلوا ما امرتم به من التناصر و التعاون و التبرأ من الکفار** یعنی اگر آنچه را بشما امر شده است در مورد یاری و معاونت یکدیگر و همکاری شما مسلمین با یکدیگر و یاری هر یک دیگری را در موقع حاجت ، انجام دهید و از آنها که دشمن دین شما

و مخالف با عقاید حقه‌می باشند و راه باطل را می‌پیمایند احتیاط کنید و شنبته و فریفته آنها نشوید ، در این صورت **تكن فتنه في الارض و فساد كبير** . در روی زمین فتنه و فساد بزرگی روی خواهد داد .

تفسیر فخر رازی در توضیح این آیه مینویسد :

ان المسلمین لو اختلطوا بالكفار فی زمان ضعف المسلمین وقلة عددهم و زمان قوة الكفار و كثرة عددهم ، ربما صارت تلك المخالطة سببا لالتحاق المسلم بالكافر . . . ان المسلمین لو كانوا متفرقین لم یظهر منهم جمع عظیم فیصیر ذلك سببا لجرأة الكفار علیهم .

اگر مسلمین با کفار در موقعیکه مسلمانها ضعیفند و عدد آنها کم است و کفار نیرومندند و عددشان بسیار است ؛ بیامیزند ؛ بسا این آهیزش باعث پیوستن مسلمان بکافر میشود . . . و بالاخره میگوید : اگر مسلمین متفرق و پراکنده باشند (مثل وضع امروز آنها که هر یک دوستی جداگانه تشکیل داده و بد بینی هائی نسبت بیکدیگر دارند و در بعضی از آنها نیز فاصله هائی بین دولت و ملت و جود دارد و در حقیقت باید گفت رؤسای آنها از دستورات اسلام بهره ای ندارند و یا آنرا بکار نمی‌بندند) و در نتیجه از آنها جامعه عظیمی تشکیل نمی‌شود و این تفرقه و پراکندگی و سیله خوبی برای سوء استفاده‌های بیگانگان و جرأت آنها برای اقدامات خصمانه در مورد هر یک از آنان خواهد شد .



بطور خلاصه این يك اعلان بیدار باشی برای دولتها و ملت‌های اسلامی است که بیایند و دور یکدیگر جمع شوند ، بایکدیگر همکاری و معاونت کنند ، در مقابل نقشه دیگران که هر چند یکبار بایکی از آنها دست و پنجه نرم می کنند و دیگران هم همینطور ساکت می نشینند ؛ قرآن دستور میدهد ، شما هم باید پیمانهای دوستی و همکاری داشته باشید و اگر جمعیتی از برادران دینی شما یاری خواست او را یاری کنید :

ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

باز در مقام احترام به تعهد پابند بودن به تعهدات قبلی يك مورد را استثنای کند که اگر قبلاً با مردمی پیمان بسته اید و اکنون از شما برای حمله باو یاری میخواهند ، در این مورد نباید پیمان قبلی خود را زیر پا بگذارید و البته معلوم است در پیمانها باید خیلی دقیق بود که گاهی باین گونه بن بست نرسد و مسلمین را از انجام مقاصد اسلامی باز ندارد. اکنون بار دیگر آیات آخر سوره انفال را با دقت بیشتری با یکدیگر میخوانیم و در آن تدبر می کنیم تا به بینیم این آید چه دستور العملی برای امروز ملل اسلامی بیان می کند ،

ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله و الذین آووا و نصروا اولئک بعضهم اولیاء بعض والذین آمنوا ولم یهاجروا مالکم من ولایتهم من شیء حتی یهاجروا و ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر الاعلی قوم بینکم و بینهم میثاق و الله بما تعملون بصیر و الذین کفروا بعضهم

اولیاء بعض الاتفعلوه تکن فتنة فی الارض وفساد کبیر
 آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با جان و مال
 خود جهاد کردند و آنانکه (مسلمانهای بی پناه را) جای دادند و یاری
 کردند ، گروهی از آنان دوستان گروهی دیگر هستند و آنها که ایمان
 آوردند و هجرت نکردند لازم نیست که با آنان دوستی و پیمان داشته
 باشید و اگر از نظر دینی از شما یاری خواستند باید آنانرا یاری کنید ،
 مگر نسبت به آنانکه بین شما و آنها پیمانی بوده است . و خداوند با آنچه
 می کنید بینا است . و آنانکه کافر شدند گروهی از آنان یاران وهم پیمانان
 گروهی دیگرند . اگر آنچه را که گفتیم انجام ندهید فتنه و فساد عظیمی
 در زمین برپا خواهد شد ..